

لاله صاحبزاده

دوره ترین ستاره

می پرسند:

در لندن دنیایم

یا در مسکو؟

آه، ای ایران من!

اگر شفا یقیناً در ایام سلفقتن باشد

تنها روی زمین است.

زیر آسمان تو.

می گویند:

هر آن آفتاب، ستاره ای دارد.

شاید ستاره ای من «دوره ترین است»

کامین همه دوری آخرین است.

+

دوری است

و در گامی است، آرزو دارم

سپیده دم

بر آفاق آبی تو سلام کنم.

و شامگاه، با نفوس گلگونت

روزم را

و چون فرارسد

روزگارم را،

تمام کنم.

+

گرچه سگیت به سخن است

این آرمال من،

اما ریشه اش در آب است،

ای ایران من

ایران من!

x x x

لندن
۱۳۷۰ ۵۴۰

۵۴۰

دورترین ستاره

می پرسند:

در لندن دسام،
یا در مسکو؟

آه، ایران من
اگر حقایق یادگام، سنجیده باشد،
تنها روی زمین است
زیر آسمان تو.

می گویند:

برون تاقی ستاره های دارد،
ساید ستاره های من دورترین است
که این همه دوری آخرین است،
دوری است.

و در گرمای است

ارزودلام

بر سپیده دم

بر آفاق آبی تو سلام کنم

و بر شامگاه

با سفوف طلوعت

روزم را

و خون خوارم را

روزم را، تمام کنم

اگر چه، سبک است

این آریان من!

ای آریان من

ایران من

تو که در گداز

پسندیده ای

(عاشقانه)

اما هنوزم داری در آب است

۱۳۷۰
۵ رانه

۴ ۶ ۸